



شهادت ۱۶۱ خبرنگار در غزه

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از شهادت ۱۶۱ خبرنگار طی ۱۰ ماه در غزه خبر داد و گفت: «شایسته است همه رسانه‌های آزاد و خبرنگاران آزاداندیش و عدالتخواه جهان، فریادگر صدای خبرنگاران شهید غزه باشند.» ایلنا ضمن اعلام این خبر نوشت، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت: «خبرنگاران فلسطینی با خون خود روایتگر و فریادگر عمق جنایات جنگی صهیونیست‌ها علیه ملت مظلوم و مقاوم فلسطین هستند.» پس از انتشار این توییت در شبکه ایکس، خبرگزاری مهر نیز به نقل از وبگاه قدس الاخباریه خبر داد، منابع پزشکی فلسطینی از شهادت یک خبرنگار دیگر در حملات ارتش اشغالگر صهیونیستی به نوار غزه خبر دادند. این منابع تأکید کردند که معتمض غراب، خبرنگار فلسطینی در بمباران خانه‌اش در اردوگاه التصریرات در مرکز نوار غزه به شهادت رسیده است. با شهادت این خبرنگار، شمار شهدای رسانه از آغاز جنگ علیه غزه در هفتم اکتبر گذشته به ۱۶۲ نفر افزایش یافت.



نمایش «دونده» امیر نادری

هشتمین جلسه سینماتک خانه سینما، به مناسبت چهلمین سال ساخت و نمایش فیلم «دونده» ساخته امیر نادری، شاهد برنامه‌ای ویژه خواهد بود. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، در این برنامه نسخه‌ای مرمت‌شده از فیلم «دونده» به کارگردانی امیر نادری به نمایش در خواهد آمد. پس از آن رضا صانمی و مازیار فکری ارشاد درباره فیلم و جایگاه آن در تاریخ سینمای ایران (به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب) سخن خواهند گفت. سپس گفت‌وگویی ویدئویی میان امیر نادری و رامین بحرانی درباره خاطرات نادری از زمان تولید فیلم و تأثیر دونده بر فیلمسازان ایرانی نسل‌های بعدی نمایش داده می‌شود. این گفت‌وگو به زبان انگلیسی انجام شده و توسط سینماتک خانه سینما به شکل اختصاصی ترجمه و زیرنویس شده است. هشتمین برنامه سینماتک خانه سینما، روز چهارشنبه سوم مردادماه ساعت ۱۷ در سالن زنده‌یاد سیف‌الله داد خانه سینما برگزار خواهد شد.



در خانه تئاتر چه خبر است؟

در شرایطی که هنوز تکلیف انتخابات تئاتر مشخص نشده است، تغییراتی در ساختار این تشکل رخ داده است. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، پیش از این قرار بود نوبت دوم مجمع عمومی خانه تئاتر به منظور انتخاب هیئت‌مدیره این تشکل روز ۱۵ تیرماه برگزار شود اما به‌دلیل همزمانی این تاریخ با برگزاری دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری، برپایی این مجمع به تأخیر افتاد. از آن تاریخ تاکنون، تاریخ دیگری برای برگزاری مجمع جدید مشخص نشده است. ازسوی دیگر مقصود نعیمی‌ذاکر، مدیرعامل خانه تئاتر، دیگر این مسئولیت را برعهده نخواهد داشت. روز یکشنبه ۳۱ تیرماه نیز در خبری دیگر عنوان شد که محمد بهرامی که پیش از این مدیر روابط عمومی این تشکل بوده، تا زمان تعیین مدیر عامل جدید، سرپرست خانه تئاتر خواهد بود. ضمن این که عمارت خانه تئاتر واقع در خیابان سسمیه فعلاً فعالیتت نخواهد داشت و تمام فعالیت‌های آن به ساختمان قبلی واقع در خیابان برادران مظفر (صبا جنوبی) منتقل می‌شود.

گفت‌وگو با جبار رحمانی جامعه‌شناس

# نسل زد ضد ما نیست



رضا صانمی  
خبرنگار گروه فرهنگ

هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم از منظر فرهنگی به مسائل نسل زد و نسبت آنها با نظم اجتماعی و سیاسی موجود پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:

در انتخابات اخیر ریاست جمهوری شاهد حضور یا دست‌کم بحث و گفت‌وگو درباره نسل زد و مسائل و خواسته‌هایش بودیم؛ نسلی که در چند سال اخیر به شکل آشکارتر و جسورانه‌تری به طرح مطالبات و ایده‌های خود می‌پردازند و دست به کنشگری اجتماعی می‌زنند. آنها به دلیل زیستن در جهان مجازی و شبکه‌های اجتماعی از ویژگی‌ها و خصلت‌هایی برخوردارند که به آنها هویت ویژه‌ای در مطالعات بین‌نسلی می‌دهد؛ ویژگی‌هایی که با تفاوت نسل‌ها در گذشته فرق می‌کند و مختصات خاص خودش را دارد. با دکتر جبار رحمانی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم از منظر فرهنگی به مسائل نسل زد و نسبت آنها با نظم اجتماعی و سیاسی موجود پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:



«در این دو سال از نسل زد زیاد صحبت شده است. حالا انکار این نسل در حیات اجتماعی و سیاسی ایران هم به نیروی اثربخش تبدیل شده تا جایی که در مستند تبلیغاتی دکتر پزشکیان هم رد این نسل را می‌توان پیدا کرد. پرسش من درباره چگونگی و ماهیت هویت این نسل است. به نظر می‌رسد دو ویژگی در این نسل یا ظهور آن مؤثر بوده است. یکی هویتی برساخته رسانه‌ای و دیگری مقاومت آنها در برابر گفتمان و نظم سیاسی و فرهنگی حاکم. بر این مبنا آیا می‌توان آن را گفتمان یا هویتی واکنشی در برابر گفتمان هویتی رسمی دانست؟ یا نه آنها هم مثل نسل‌های پیشین محصول سیر طبیعی و ضرورت تاریخی و اجتماعی‌اند؟

مفاهیمی مثل نسل زد، ایکس، ایگرگ و نام‌هایی از این دست، عمدتاً از مطالعات آمریکای شمالی وارد فرهنگ مطالعاتی شده است. در ایران هم تقریباً از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، در دوم خردادماه است که مطالعات نسلی در ایران کلید می‌خورد. انکار نسل جدید دیگر مطابق آرمان‌ها و عقاید نسل قبلی نیستند و این تغییر چون نامطلوب است، باید آنها را آسیب‌شناسی کرد تا درست شوند. در واقع نوعی نگاه پاتولوژیستی نسبت به این نسل جدید وجود داشت. به عبارتی دیگر پرسش یک پرسش سیاسی است که در پس این پرسش، مفروضاتی هست که تغییر نسل جدید، تغییر خوبی نیست و به همین دلیل نگاهی بدبینانه و رویکردی اصلاح‌گرانه نسبت به آنها وجود داشت. این نگاه به دهه‌های ۸۰ و ۹۰ هم تعمیم یافت و جلو آمد. ازسوی دیگر ما در درون یک فرهنگ جهانی قرار گرفتیم که با یک دغدغه سیاسی در ایران پیوند خورد و مطالعات جوانان و مطالعات نسلی شکل گرفت. عمده‌ترین طبقه‌بندی نسلی براساس سن و دهه صورت گرفت. به این معنا متولدین دهه ۸۰ به‌بعد را نسل زد می‌گویند. این نسل چند ویژگی بارز دارند که فقط مختص ایران نیست و در همه جای دنیا دیده می‌شود از جمله اینکه آنها در زمان و موقعیت تاریخی‌ای متولد شده‌اند که تا چشم واکردند، رسانه‌ها در زیست‌جهان‌شان غالب بود. رسانه‌هایی متنوع از تلویزیون گرفته تا شبکه‌های اجتماعی. از فناوری دیجیتال تا تکنولوژی هوش مصنوعی. بر این اساس به آنها می‌گویند نسل بومیان دیجیتال؛ یعنی کسانی که در دنیای دیجیتال متولد و بزرگ شده‌اند، دانش خوبی در این زمینه دارند و حتی آن را به نسل‌های پیشین خود یاد می‌دهند. نمی‌توان گفت این نسل تفاوت‌های ارزشی با نسل‌های پیشین دارد، اساساً جهان‌شان به‌دلیل دسترسی به رسانه‌ها عوض شده است. دهه پنجاهی‌ها و شصتی‌ها اغلب در خانه‌هایی بزرگ شدند که حیاط، کویچه‌های خلوت و فضای همسایگی داشت؛ یعنی فضای با هم بودن، اما نسل دهه‌های ۸۰ و ۹۰ اغلب‌شان چنین فضایی را تجربه نمی‌کنند. آنها برای اینکه جهان‌شان را وسیع کنند مجبورند به سمت فضای مجازی بروند. اگر فضای فیزیکی خوبی برای بازی باشد، بچه‌های الان به سمت فضای مجازی نمی‌روند یا کمتر می‌روند. ولی وقتی در انزوا و چارچوب خانه‌های بسته قرار می‌گیرند، به فضای مجازی پناه می‌برند. در واقع بحران در فضاهای عمومی مشترک و مناسب موجب تشدید رسانه‌زدگی می‌شود. تنها جایی که می‌توان از حصار تنگنای مرزهای فضای فیزیکی گذشت، فضای مجازی است.

«درواقع بخشی از برساختگی مجازی - رسانه‌ای هویت آنها برخاسته از تکنولوژی و محدودیت‌های فضای فیزیکی است؟

دقیقاً. به‌همین دلیل نظم ارزشی نسل زد با نظم ارزشی نسل پیشین لزوماً یکی نیست و ارزش‌های آنها سلسله‌مراتب متفاوتی دارند. متأسفانه تلقی بدبینانه‌ای نسبت به آنها وجود دارد که واقع‌گرایانه نیست و از کلیشه‌های خودشیفته‌وار نسل قبلی می‌آید. آنچه ضرورت دارد این است که به‌جای رویکردهای واکنشی باید این نسل، ذهن و زبان‌شان را فهمید. باید بپذیریم اگر نسل‌های قبلی در ایران در فضای داخلی و مرزهای فرهنگی خودمان رشد کرده‌اند، این نسل به‌دلیل فضای فرهنگی - رسانه‌ای نوین و نظام جهانی که ما در آن ادغام شدیم، دیگر در بستر فرهنگ محلی و بومی بزرگ نمی‌شوند. آنها در یک وضعیت دوسویه محلی و جهانی رشد می‌کنند لذا هم‌زمان از یک موقعیت جهان محلی برخوردارند که کمک می‌کند آنها چندساحتی و چندبُعدی باشند. گویی آنها یک جهان مازاد نسبت به نسل پیشین دارند و به‌همین دلیل این نسل از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و به همین نسبت فهم آنها هم پیچیده‌تر است. مثل تفاوتی که در زیست یک روستای کوچک و یک کلان‌شهر وجود دارد. اما به یک نکته باید اشاره کنم؛ ما در ایران هرگاه درباره تفاوت نسل‌ها حرف می‌زنیم گمان می‌کنیم نسل قبلی، نسل سنت‌گرا و بسته است و نسل جدید، نسل مدرن و باز است. این دوگانه به نظر من در ذیل همان دوگانه سنت و مدرنیته و گذار از این به آن صورت‌بندی شده است که به نظر من غلط است. اتفاقاً نسل گذشته و پدران ما نه تنها سنتی نبودند که به‌شدت انقلابی بودند و این یک خصلت مدرن در زمانه خود بود. بزرگترین انقلاب مدرن تاریخ ایران توسط این نسل انجام شد. به نوعی آنها در همان سنن نسل زد بودند که دست به انقلاب زدند و خیلی از آنها پست و مقام اجرایی هم گرفتند. در واقع آدم‌های تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای شدند و بر ساختار جامعه سوار شدند. در واقع آنها معادل نسل زد الان در زمان خود بودند که نظم و ساختار موجود را برناتفتند و با آن مبارزه کردند. اگر از این دوگانه‌سازی‌ها عبور کنیم همه نسل‌ها نسبت به نسل قبل از خودشان تفاوت دارند و در یک فرآیند تدریجی همدیگر را تعدیل می‌کنند. بنابراین ما با یک شرایط ایستایی در وضعیت بین نسلی مواجه نیستیم. مسئله این نیست که اینها چگونه‌اند، مسئله این است که رابطه بین نسل‌ها را باید فهم‌پذیر کرد و از انسداد به یک راه‌بردی برای پیشبرد تاریخی رسانه‌ها، نسل دهه‌های ۳۰ و ۴۰ در ایران که انقلاب کردند، نسل آرمان‌خواه و به‌شدت ایدئولوژیک بودند، همه چیز را فدای آرمان‌هایشان کردند و خیلی بنیادگرایانه به سمت آنها حرکت کردند. آنها تغییرات خودشان را در وضعیت تاریخی‌ای که بودند

عکس: ستاره کاظمی، هم‌چینان